

طرف شرط داوری در گروه قراردادی

محمدعلی بهمنی*

فهیمة مرادی**

چکیده

پیچیده و تخصصی شدن فعالیت‌های اقتصادی در دنیای امروز موجب شده برای عملیات اقتصادی واحد، قراردادهای متنوع و متعددی میان اشخاص متفاوت منعقد شود. ارتباط متقابل و وابستگی اقتصادی این قراردادها و تعهدات ناشی از آنها با یکدیگر، منجر به شناسایی مفهوم «گروه قراردادی» در حقوق شده است. این مفهوم، نشان‌دهنده توجه حقوق به واقعیات اقتصادی و تجاری در کنار ساختار حقوقی روابط قراردادی است. هنگامی که در گروه قراردادی که قراردادهای آن، هدف یکسانی دارند، شروط داوری مشابهی درج شده باشد یا در برخی از آنها شرط داوری درج شده ولی سایر قراردادهای مرتبط در گروه، فاقد هرگونه شرط حل اختلاف باشند یا در مواردی که قراردادهای حاوی شروط حل اختلاف متفاوت یا مغایری باشند، این پرسش مطرح می‌شود که آیا دیوان داوری می‌تواند اطراف سایر قراردادهای مرتبط در گروه قراردادی را طرف شرط داوری مندرج در یکی از این قراردادها شناسایی نماید و قلمرو شرط داوری موصوف را به آنها گسترش دهد؟ پذیرش چنین امری، امکان رسیدگی داوری واحد به اختلافات تمام اطراف قراردادهای مرتبط را فراهم می‌آورد و نه تنها موجب رسیدگی کارآمدتر و مؤثرتر به اختلافات می‌شود، بلکه مانع از رسیدگی‌های موازی و صدور آرای متعارض نیز می‌شود. در چنین مواردی، اصولی چون اصل «حاکمیت اراده» و اصل «نسبی بودن قراردادها» ایجاب می‌کند که دیوان داوری برای شناسایی طرف شرط داوری، اراده مشترک و متقابل تمام اطراف قراردادهای مرتبط در گروه قراردادی را جستجو و کشف کند.

واژگان کلیدی

گروه قراردادی، قراردادهای مرتبط، مجموعه قراردادی، طرف شرط داوری و گسترش شرط داوری

مقدمه

پیچیده‌شدن فعالیت‌های اقتصادی و تقسیم وظایف ناشی از تخصصی‌شدن امور در دنیای تجارت بین‌الملل امروز، موجب شده است که برای تحقق عملیات اقتصادی واحد، اشخاص متعددی درگیر شده و قراردادهای متنوعی منعقد شود. امروزه فروش کالا در عرصه بین‌المللی نیز مستلزم انعقاد قراردادهای متعدد از جمله قرارداد فروش، قرارداد تأمین اعتبار، قرارداد ضمانت و غیره است. این واقعیت در حوزه‌های مختلف تجارت بین‌الملل، از جمله در حوزه صنعت، عمران، نفت و گاز و امور زیربنایی جلوه بیشتری پیدا می‌کند، به‌گونه‌ای که در این عرصه‌ها، شبکه‌ای پیچیده و بهم‌تنیده از قراردادهای متنوع بین اشخاص متفاوت، با هدف تحقق عملیات اقتصادی واحد منعقد می‌شود. این قراردادها علی‌رغم برخورداری از استقلال حقوقی، به لحاظ اقتصادی و کارکردی، مرتبط و وابسته به یکدیگرند. ارتباط و وابستگی متقابل این قراردادها به یکدیگر، از نظر حقوق دانان، پنهان نمانده و موجب پیدایش مفهوم «گروه قراردادی»^۱ شده است.

پذیرش داوری بین‌المللی به‌عنوان یکی از مطلوب‌ترین و مؤثرترین روش‌های حل اختلاف، و انتخاب آن از سوی بازیگران تجارت بین‌الملل به‌عنوان شیوه حل اختلاف در اکثر قراردادهای این حوزه، موجب ارتباط «گروه قراردادی» با داوری شده است. هنگامی که در تمام یا برخی از قراردادهای «گروه قراردادی»، شروط داوری مشابه یا متفاوتی گنجانده شده باشد، دیوان‌های داوری، دادگاه‌های ملی و صاحبان اندیشه در حوزه داوری با پرسش‌های مهمی روبه‌رو می‌شوند: آیا قلمرو شخصی شرط داوری مندرج در یکی از قراردادهای گروه، فقط محدود به اطراف همان قرارداد است یا نسبت به اشخاص دیگری که در اجرای «معامله اقتصادی واحد» از طریق قراردادهای مرتبط مشارکت کرده‌اند، گسترش می‌یابد؟ به دیگر سخن، مسئله این است که واقعیت اقتصادی روابط قراردادی در گروه تا چه حد می‌تواند اشخاصی را که به‌طور مستقیم، رضایت خود را به شرط داوری مندرج در یکی از قراردادهای گروه ابراز نکرده‌اند، منتفع یا ملزم کند؟ آیا واقعیات اقتصادی یا تجاری موجود در گروه قراردادی بر ساختار حقوقی آن چیره می‌شود؟ آیا دیوان داوری تشکیل‌شده به‌موجب شرط داوری مندرج در یکی از قراردادهای گروه، می‌تواند نسبت به اطراف سایر قراردادهای مرتبط در گروه نیز صلاحیت شخصی داشته باشد؟

به‌طور کلی، دیوان‌های داوری در چنین وضعیت‌هایی با دو نگرانی مواجه‌اند: از یک‌سو، اصل اساسی «حاکمیت اراده» و اصل «نسبی بودن اثر قراردادها» که اقتضا دارند، اثر شرط داوری مندرج در یک قرارداد، محدود به اطراف و اختلافات ناشی از همان قرارداد باشد و از سوی دیگر، اصولی چون اصل «اجرای مطلوب عدالت»^۲ و اصل «حسن نیت» که ایجاب می‌کنند از رسیدگی

1. Contractual Group, in French: Groupe contractuel.

2. The Principle of Good Administration of Justice, in French: Le principe de bonne administration de la justice.

به اختلافات ناشی از قراردادهای مرتبط بین اشخاصی که در اجرای «معامله اقتصادی واحد» مشارکت داشته‌اند، به صورت مجزا و نزد دیوان‌های داوری متفاوت که با خطر صدور آرای متعارض مواجه است، جلوگیری شود.

یافتن پاسخ دقیق پرسش‌های یادشده، امری دشوار و مهم است. از آن جهت دشوار است که دیوان داوری باید با بررسی عوامل و عناصر مختلف موجود در روابط حقوقی اطراف قراردادها و به طور خاص، ارتباط اقتصادی این قراردادها با یکدیگر، اراده واقعی اطراف را جستجو کند؛ و از این لحاظ مهم است که بررسی این موضوع، صرف‌نظر از جنبه نظری، به دلیل شیوع داوری‌های چندطرفه و وضعیت‌های چندقراردادی در داوری تجاری بین‌المللی معاصر، از نظر عملی نیز بسیار مهم است.

بر این اساس، در این پژوهش، ابتدا مفهوم و انواع «گروه‌های قراردادی» به اختصار بیان می‌شود (۱) و سپس با مطالعه رویه داوری و قضایی، مسئله طرف شرط داوری در قراردادهای با شروط حل اختلاف مشابه یا سازگار (۲) و قراردادهای با شروط حل اختلاف متفاوت یا مغایر (۳) بررسی می‌شود.

۱. مفهوم و انواع «گروه‌های قراردادی»

همان طور که بیان شد، امروزه روابط قراردادی، مستلزم ایجاد توافق‌های متعدد و انعقاد قراردادهای متنوع است. اما مسئله این است که چه هنگام می‌توان قراردادهای منعقدشده را «قراردادهای مرتبط»^۳ توصیف کرد و آن‌ها را موجد «گروه قراردادی» دانست و بر این موضوع، آثار حقوقی مترتب ساخت. دیوان‌های داوری در صورت مواجهه با وضعیت‌های چندقراردادی، ابتدا ارتباط این قراردادها با یکدیگر و میزان وابستگی آن‌ها را به یکدیگر بررسی می‌کنند تا روشن سازند آیا این قراردادها، کل واحد و تفکیک‌ناپذیری را شکل می‌دهند یا آنکه صرف‌نظر از استقلال حقوقی از لحاظ اقتصادی و کارکردی نیز مستقل از یکدیگرند. بنابراین، در این قسمت، ابتدا مفهوم «گروه قراردادی» و سپس انواع گروه‌های قراردادی مطالعه می‌شود.

۱-۱. مفهوم گروه قراردادی

بر اساس نظریه سنتی حقوق قراردادها و به طور خاص، اصل «نسبی بودن اثر قراردادها»، هر قرارداد، مستقل از قراردادهای دیگر است و نسبت به آن‌ها اثری ندارد.^۴ باوجود این، امروزه روابط قراردادی، معمولاً دربردارنده فعالیت‌های اقتصادی بلندمدتی است که مستلزم انعقاد تعداد زیادی قرارداد مستقل از یکدیگر ولی مرتبط با هم است. در بیشتر موارد، این قراردادها که بر تمام مراحل حیات یکدیگر

3. Interrelated Contracts, in French: Contrats interdépendants ou liés.

4. Cabrillac, Rémy, *Droit des obligations*, Dalloz, 7^e éd., 2006, p. 108.

تأثیرگذار هستند، معامله تجزیه‌ناپذیر واحدی را شکل می‌دهند.^۵ گویی «واحدی اقتصادی و عملیاتی پشت سر مجموعه‌ای از قراردادها پنهان شده است که به رابطه‌ای اساسی منتج می‌شود».^۶

به این ترتیب، مفهوم «گروه قراردادی» بیش از آنکه مفهومی صرفاً حقوقی باشد، مفهومی اقتصادی و کارکردی است.^۷ این مفهوم که واقعیت اقتصادی را در نظر می‌گیرد و قراردادهای گروه را در چارچوب کارکرد تجاری آن‌ها و با توجه به هدفی که برای تحقق آن ایجاد شده‌اند مطالعه می‌کند، ناشی از نگاه واقع‌گرایانه حقوق به روابط اقتصادی است و محققان برجسته و قضات، آن را به‌عنوان سند واقع‌گرایی حقوق، شناسایی کرده و داوران آن را به کار برده‌اند.^۸ قابل توجه است که دکترین، رویه قضایی و رویه داور، ارتباط این قراردادها با یکدیگر را با ضوابطی احراز کرده‌اند. هنگامی که تعهدات ناشی از قراردادهای مختلف، ارتباط متقابل و نزدیکی با یکدیگر دارند^۹ و تفسیر اراده اطراف این قراردادها، دلالت بر خواست مشترک آن‌ها به ایجاد مجموعه‌ای یکپارچه، واحد و منسجم برای تحقق عملیاتی واحد دارد، دکترین، این قراردادها را «قراردادهای مرتبط» یا «گروه قراردادی» توصیف کرده است.^{۱۰}

در رویه قضایی نیز دادگاه‌های فرانسه به‌طور خاص، مفهوم «ارتباط متقابل» را با در نظر گرفتن قراردادهای مرتبط به‌عنوان «واحدی کارکردی»^{۱۱} به کار برده‌اند. این دادگاه‌ها، همچنین در مورد معاملات تجاری متقابل و منظم که در آن، خرید و فروش کالا و انعقاد قراردادهای متوالی به لحاظ اقتصادی و تجاری به هم پیوند خورده است، وجود رابطه متقابل را تأیید کرده‌اند.^{۱۲}

همچنین در رویه داور، دیوان‌های داور، ارتباط بین قراردادهایی را که به لحاظ شکلی مستقل از یکدیگرند، شناسایی کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، دیوان داور در رأی صادره زیر، نظر مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات راجع به سرمایه‌گذاری (ایکسید) را چنین بیان داشت:

«این مسئله به رسمیت شناخته شده و در این پرونده به‌طور خاص اثبات می‌شود که سرمایه‌گذاری از طریق اقدامات حقوقی متنوعی صورت می‌پذیرد. بررسی هر یک از این اقدامات در انزوای کامل نسبت به موارد دیگر، نه با واقعیت اقتصادی همخوانی دارد و نه با اراده طرفین. به‌طور خاص، مهم است که مشخص شود کدام عمل، مبنای سرمایه‌گذاری بوده و معیاری برای

5. Train, François-Xavier, *Les contrats liés devant l'arbitre du commerce international*, L.G.D.J., Paris, 2003, p. 7.

6. Leboulanger, Philippe, 'Multi-Contract Arbitration', *J. Int'l. Arb.*, vol. 13, No. 4, Dec. 1996, p. 46.

7. Train, *op. cit.*, p. 5.

8. Leboulanger, *op. cit.*, p. 47.

9. *Ibid.*

10. Kahn, Philippe, 'L'interprétation des contrats internationaux', *Journal de droit international*, vol. 108, N° 1, 1981, p. 16.

11. Single Functional Unit, in French: Seule unité fonctionnelle.

12. *Ibid.*, pp. 47-49.

اجرای اعمال دیگر به شمار می‌رود».^{۱۳}

البته باید توجه داشت که دیوان‌های داوری باوجود آنکه در ارزیابی اراده طرفین به واقعیات اقتصادی و کارکردی حاکم بر روابط قراردادی توجه دارند، صرف ارتباط اقتصادی قراردادها را برای گسترش صلاحیت خود کافی نمی‌دانند.

به این ترتیب می‌توان گفت «گروه قراردادی»، متشکل از قراردادهایی است که در قالب رابطه تجاری واحدی بین اشخاص مشابه یا متفاوت منعقد می‌شوند و صرف‌نظر از برخورداری از استقلال حقوقی، میان آن‌ها یا به‌طور خاص، میان تعهدات ناشی از آن‌ها نوعی وابستگی اقتصادی و ارتباط متقابل وجود دارد که ایجاب می‌کند بر مبنایی کلی و به‌عنوان یک کل یا قرارداد واحد، تفسیر شوند.^{۱۴}

۱-۲. انواع گروه‌های قراردادی

گروه‌های قراردادی را می‌توان به دو دسته گروه قراردادی متشکل از قراردادهای با هدف یکسان و گروه قراردادی متشکل از قراردادهای با موضوع یکسان تقسیم کرد. هریک از انواع یادشده نیز خود اقسامی دارد.

الف. قراردادهای با هدف یکسان (مجموعه قراردادی)

گروه قراردادی با هدف یکسان، متشکل از قراردادهای مختلفی است که برای تحقق هدفی مشترک بین اشخاص مشابه یا متفاوت منعقد می‌شود. قراردادهای با هدف مشترک را «مجموعه قراردادی»^{۱۵} می‌نامند.^{۱۶} مجموعه قراردادی از ساختاری دَوْرانی از قراردادها تشکیل شده است که که کلّ یکپارچه‌ای ایجاد می‌کنند. تمام قراردادهای این مجموعه، علی‌رغم آنکه هریک موضوع خاص خود را دارد و سبب مستقیم هریک، متفاوت از دیگری است، برای تحقق هدفی واحد و اجرای عملیات اقتصادی پیچیده‌ای منعقد می‌شود.^{۱۷} به‌عنوان نمونه، در مجموعه قراردادی مرکب از موافقت‌نامه اصلی و یک یا چند قرارداد تکمیلی، قراردادهای تکمیلی، ابزارهای حقوقی و

13. Arbitral Award of 23 September 1974, *Holiday Inn v. Morocco*, cited in: Paulsson, Jan, 'Les obligations des partenaires dans un accord de développement économique: La sentence arbitrale Cameroun c/ Klöckner', *Revue de l'arbitrage* (hereinafter: *Rev. arb.*), 1984, N° 1, p. 52.

14. باید توجه داشت این موضوع که قرارداد و اجزای آن باید به‌صورت یک کل تفسیر شود تا اراده واقعی اطراف رابطه حقوقی را نشان دهد، از اصل اساسی «تفسیر با حسن نیت قرارداد» ناشی می‌شود. ن.ک:

Gaillard, Emmanuel, and Savage, John (eds.), *Fouchard Gaillard Goldman on International Commercial Arbitration*, Wolters Kluwer Law and Business, Kluwer Law International, 1999, p. 258.

15. Contractual Unit, in French: Ensemble contractuel.

16. Train, *op. cit.*, p. 11.

17. Leboulanger, *op. cit.*, p. 46, Fn. 10.

اقتصادی برای تحقق هدف مشترک طرفین است که در موافقت‌نامه اصلی تعریف شده است. مجموعه‌های قراردادی، خود بر سه قسم است: مجموعه‌های متشکل از موافقت‌نامه پایه و قراردادهای تبعی (مانند قرارداد فروش به‌عنوان موافقت‌نامه پایه و قرارداد تأمین اعتبار و قرارداد ارائه خدمات به‌عنوان قراردادهای تبعی)، مجموعه‌های متشکل از موافقت‌نامه چارچوب و قراردادهای اجرایی (مانند قرارداد فروش استاندارد جهت فروش متوالی کالا توسط فروشنده به خریدار) و قراردادهای مجزا با هدف یکسان بدون وجود موافقت‌نامه پایه یا چارچوب (مانند قرارداد فروش و قرارداد وام).

ب. قراردادهای با موضوع یکسان (زنجیره قراردادی)

ممکن است گروه قراردادی متشکل از دو یا چند قرارداد متوالی باشد که دارای موضوع یکسانی هستند. این گروه را «زنجیره قراردادی»^{۱۸} می‌نامند که قراردادهای آن، هدف یکسانی ندارند ولی موضوع یکسانی موجب پیوند آن‌ها به یکدیگر می‌شود.^{۱۹}

زنجیره قراردادی، خود بر دو قسم است: اول، زنجیره‌های قراردادی همگون^{۲۰} که در آن قراردادهای زنجیره از ماهیت یکسانی برخوردارند؛ مانند قراردادهای متوالی فروش که در آن‌ها موضوع واحدی از شخص اول به شخص دوم و از شخص دوم به اشخاص پسین منتقل می‌شود. دوم، زنجیره‌های قراردادی ناهمگون^{۲۱} که قراردادهای زنجیره آن ماهیت یکسانی ندارند؛ مانند قرارداد ساخت و قرارداد تهیه مواد اولیه برای ایجاد موضوعی واحد و مشخص. افزون بر آن، می‌توان زنجیره‌های قراردادی را به دو نوع زنجیره‌های ناقل حق مالکیت^{۲۲} (مانند زنجیره‌ای از قراردادهای متوالی فروش) و زنجیره‌های غیرناقل حق مالکیت^{۲۳} (مانند زنجیره‌ای از قراردادهای پیمانکاری یا ساخت) تقسیم کرد.

با توجه به افزایش چشمگیر پروژه‌های بزرگ اقتصادی که در آن‌ها قراردادهای متنوعی برای تحقق عملیات اقتصادی واحدی منعقد می‌شود و اهمیت ویژه مطالعه تأثیر هدف اقتصادی گروه قراردادی بر تفسیر اطراف شرط داوری و نظر به آنکه در ادبیات حقوقی ایران، کمتر به مسئله شناسایی طرف شرط داوری به‌طور خاص در گروه قراردادی با هدف یکسان (مجموعه قراردادی) توجه شده است، این پژوهش، به بررسی و مطالعه طرف شرط داوری در مجموعه قراردادی می‌پردازد.

18. Chains of Contracts, in French: Chaînes de contrats.

19. *Ibid.*

20. Homogeneous Agreements, in French: Chaînes de contrats homogènes.

21. Heterogeneous Agreements, in French: Chaînes de contrats hétérogènes.

22. Ownership Transfer Chains, in French: Chaînes translatives de propriété.

23. Non-Ownership Transfer Chains, in French: Chaînes non-translatives de propriété.

۲. طرف شرط داوری در قراردادهای با شروط حل اختلاف مشابه یا سازگار

در این قسمت، پرسش این است که چنانچه قراردادهای مرتبط در مجموعه قراردادی، دربردارنده شروط داوری مشابهی باشند یا حداقل، شروط حل اختلاف مندرج در آنها با یکدیگر سازگاری داشته باشند، آیا می‌توان قلمرو شخصی شرط داوری مندرج در یک قرارداد را نسبت به طرف قرارداد مرتبط دیگر گسترش داد و اطراف قرارداد یا قراردادهای مرتبط را نیز به‌عنوان طرف شرط داوری یادشده قلمداد کرد؟ منظور از سازگاری شروط این است که چنین نباشد که یک قرارداد حاوی شرط داوری باشد و قرارداد دیگر، مسئله حل اختلاف را در صلاحیت دادگاه ملی قرار داده باشد یا چنین نباشد که شرط داوری مندرج در یک قرارداد، داوری را به دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی (آی.سی.سی.سی)^{۲۴} در پاریس ارجاع داده باشد، درحالی‌که شرط داوری مندرج در قرارداد دیگر، دیوان داوری آی.سی.سی.سی. در ژنو را به‌عنوان مرجع صالح برای حل اختلاف تعیین کرده باشد. این موضوع، خود دو فرض را در برمی‌گیرد: فرض اول، حالتی است که تمام قراردادها در مجموعه قراردادی حاوی شروط داوری مشابهی باشند. آیا در این صورت برای رسیدگی به اختلافات بین طرفین هر قرارداد، لازم است دیوان داوری مستقلی تشکیل شود یا آنکه دیوان داوری ایجادشده به‌موجب یکی از این قراردادهای، برای رسیدگی نسبت به اطراف قراردادهای مرتبط دیگر از صلاحیت برخوردار است؟ در فرض دوم، پرسش این است که اگر در دو یا چند قرارداد، شرط داوری مشابهی درج شده باشد و یک یا چند قرارداد مرتبط دیگر، فاقد هرگونه شرط حل اختلاف باشد، آیا دیوان داوری ایجادشده به‌موجب شروط داوری مشابه، برای رسیدگی نسبت به اطراف قراردادهای فاقد شرط حل اختلاف نیز صلاحیت دارد؟

۲-۱. وجود شروط داوری مشابه در تمام قراردادها

در صورتی‌که در تمام قراردادهای مجموعه قراردادی، شروط داوری مشابهی درج شده باشد، ممکن است چنین به نظر برسد که درج شرط داوری مشابه یا سازگار در قراردادهای مرتبطی که برای تحقق معامله یا عملیات اقتصادی واحدی بین اشخاص متفاوت منعقد شده‌اند، بی‌دلیل نبوده و می‌تواند دست‌کم در برخی موارد (در صورت اقتضای شرایط و اوضاع‌واحوال پرونده) حاکی از این باشد که اطراف این قراردادها رضایت ضمنی داشته‌اند که به اختلافات احتمالی آنها توسط دیوان داوری ایجادشده به‌موجب یکی از شروط داوری مشابه، به‌صورت واحد و هم‌زمان رسیدگی شود.^{۲۵} باین‌حال باید دید که رویه داوری بین‌المللی و رویه قضایی تا چه حد با این نظر همسو

24. International Chamber of Commerce (ICC)

۲۵. همچنین، ن.ک:

بوده و چگونه آن را تکمیل می‌کند.

پرونده وستلند،^{۲۶} یکی از نمونه‌های فرض مورد اشاره است. در این پرونده، اختلافات مطروحه از دو قرارداد ناشی می‌شد: یکی، قرارداد بین ای.ا.آی. و وستلند و دیگری، قرارداد بین وستلند و ای.بی.اچ. با وجود آنکه شرکت وستلند، دعوای داوری را علیه ای.ا.آی.، ای.بی.اچ. و چهار دولت عربی ایجادکننده ای.ا.آی. (که به‌طور مستقیم قراردادهای حاوی شرط داوری را امضا نکرده بودند) آغاز کرد، دیوان داوری صلاحیت خود را نسبت به تمام خواندگان تأیید کرد. این دیوان، بدون توجه به اعتراض دولت مصر در خصوص صلاحیت، و با استناد به بند ۲ ماده ۲۴ «قانون فدرال سوئیس راجع به آیین دادرسی مدنی فدرال»، مصوب ۱۹۴۷^{۲۷} اعلام کرد:

«همه چیز به اراده طرفین بستگی دارد که در شرط داوری تصریح شده است. علی‌الاصول لازم و کافی است که طرفین خواسته باشند خود را به این امر ملزم کنند که داوران هم‌زمان نسبت به تمام آن‌ها صلاحیت داشته باشند و اینکه یکی از آن‌ها بتواند علیه تمام اشخاص دیگر، رسیدگی داوری واحدی را آغاز کند. در نتیجه، این چندان مهم نیست که چند شرط داوری وجود دارد، درحالی‌که محتوای آن‌ها نشان می‌دهد که در نظر اطراف، [قراردادها] یک کل را می‌سازند. اوضاع و احوال پرونده حاضر چنین است...»^{۲۸}

دیوان داوری همچنین افزود:

«مجموعه اسناد منعقدشده، یک کل تفکیک‌ناپذیر را شکل می‌دهد و چهار دولت به‌درستی با به‌هم‌پیوستن زیر یک نام، خواست خود را برای اقدام مشترک ابراز داشته‌اند. شباهت شروط به‌کاررفته در قراردادهای مختلف، تنها تاب چنین تفسیری را دارد. چنین نتیجه می‌شود که دیوان نه‌تنها نسبت به چهار دولت، ای.ا.آی. و ای.بی.اچ. صالح است، بلکه قضاوت در مورد دعوای آن‌ها

Hanotiau, Bernard, 'Multiple Parties and Multiple Contracts in International Arbitration', in: Macmahon, Belinda (ed.), *Multiple Party Actions in International Arbitration*, Oxford University Press, 2009, pp. 66-67, n. 2.78.

26. Sentence arbitrale préjudicielle de la C.C.I. dans l'affaire n° 3879, 5 Mars 1984, *Westland Helicopters Ltd. c/ Arab Organization for Industrialization (A.O.I.), Emirats Arabes Unis, Royaume d'Arabie Saoudite, Qatar, République Arabe d'Égypte, Arab British Helicopter Company (A.B.H.)* (The "Westland" Case), *Rev. arb.*, 1989, N° 3, pp. 547 et suiv.; *J.D.I.*, vol. 112, N° 1, 1985, pp. 232 et suiv.; For excerpts translated into English, see: *I.L.M.*, vol. 23, 1984, pp. 1071 et seq.; *Y.C.A.*, vol. XI, 1986, pp. 127 et seq.

27. بند ۲ ماده ۲۴ «قانون فدرال سوئیس راجع به آیین دادرسی مدنی فدرال»، مصوب ۱۹۴۷ مقرر می‌دارد: «خواهان می‌تواند چندین خواننده را به‌طور مشترک تعقیب کند، مشروط بر آنکه: (الف) در میان خواندگان در مورد موضوع اختلاف، اشتراک حکمی وجود داشته باشد یا حقوق یا تعهدات آن‌ها از سبب ماهوی و حکمی یکسانی ناشی شده باشد؛ ... (ب) دعوای با ماهیت یکسان و مبتنی بر سبب ماهوی و حکمی کاملاً یکسان، موضوع اختلاف را شکل دهند ...». ن.ک:

Loi Fédérale de Procédure Civile Fédérale, 4 Décembre 1947, Art. 24(2), available at: <<http://www.admin.ch/ch/f/rs/2/273.fr.pdf>>, last visited on July 21, 2014.

28. The "Westland" Case, *op. cit.*, p. 133.

در ضمن رأی واحد نیز موجه است.

ملاحظات عملی نیز از این استدلال [...] حمایت می‌کند. در واقع، صدور تصمیم واحد که نسبت به همه قابل اعمال باشد، مانع از بروز تعارض یا تضاد بین تصمیم‌ها می‌شود و به نفع اجرای مطلوب عدالت است.^{۲۹}

ملاحظه می‌شود دیوان داوری در این پرونده با تفسیر اراده طرفین و لحاظ اسناد قراردادی میان اشخاص متفاوت به عنوان یک کل تفکیک‌ناپذیر و با در نظر گرفتن اوضاع و احوال قضیه به این نتیجه رسید که وجود شروط داوری مشابه در قراردادها، دلالت بر اراده طرفین برای رسیدگی هم‌زمان به تمام اختلافات احتمالی ناشی از قراردادها بین تمام اشخاص درگیر نزد دیوان داوری واحد دارد.^{۳۰}

مطالعه پرونده کیس فرانس^{۳۱} نیز در این خصوص مفید به نظر می‌رسد. در این پرونده، موافقت‌نامه چارچوبی بین دو شرکت مادر کیس فرانس و سوسیته جنرال و قراردادهایی هم بین شرکت‌های فرعی آن‌ها برای اجرای موافقت‌نامه چارچوب منعقد شده بود. در موافقت‌نامه چارچوب، شرط داوری آی.سی.سی. درج شده و در قراردادهای اجرایی، صریحاً به آن ارجاع شده بود. پس از بروز اختلاف، شرکت سوسیته جنرال و دو شرکت فرعی آن علیه شرکت کیس فرانس و دو شرکت فرعی آن که طرف قراردادهای مختلف بودند، دعوای داوری را آغاز کردند. دیوان داوری، خود را نسبت به تمام خواهان‌ها و خواندگان و همچنین نسبت به تمام مسائل ناشی از قراردادهای مختلف، صالح تشخیص داد. با اعتراض به رأی داوری، دادگاه تجدیدنظر پاریس، ضمن تأیید تصمیم دیوان داوری در مورد صلاحیت، چنین استدلال کرد:

«قرارداد فرعی - که بین شرکت‌های فرعی سوسیته جنرال و کیس فرانس منعقد شده است - به شرط داوری ارجاع می‌دهد. از این ارجاع چنین استنباط می‌شود که داوران می‌توانند در صورت درخواست دو شرکت مادر، در مورد اختلافات مربوط به اجرای موافقت‌نامه پایه و

29. *Ibid.*

۳۰. البته با اعتراض دولت مصر به رأی داوری، دادگاه عدالت ژنو، رأی دیوان داوری را مبنی بر اعمال صلاحیت نسبت به چهار دولت عربی ابطال و اعلام کرد که این تصمیم، تنها نسبت به دولت مصر مؤثر است و نسبت به سه دولت عربی دیگر که در جریان ابطال رأی داوری شرکت نکرده‌اند، بی‌تأثیر است. رأی دادگاه عدالت ژنو به تأیید دیوان عالی فدرال سوئیس نیز رسید. برای مطالعه تفصیلی آرای داوری و قضایی صادر شده در این پرونده، ن.ک: محمدعلی بهمنی و فهیمه مرادی؛ «اطراف پنهان قرارداد داوری در «گروه دولت‌ها»»، *مجله تحقیقات حقوقی*، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۶۲ تابستان ۱۳۹۲، صص ۲۹۶-۲۸۷.

31. Paris (1^{re} Ch. suppl.), 31 Octobre 1989, *Société Kis France et autres c/ Société générale et autres*, *Rev. arb.*, 1992, N° 1, pp. 90 et suiv.; For excerpts translated into English, see: Y.C.A., vol. XVI, 1991, pp. 145 *et seq.*

قراردادهای فرعی تصمیم بگیرند. شرکت‌های فرعی در این خصوص کاملاً تابع هستند. در مورد ادعای شرکت سوسیته جنرال و شرکت‌های فرعی آن علیه شرکت کیس فرانس و شرکت فرعی کیس فوتو، داوران موافقت‌نامه‌های طرفین را بررسی و اعلام کردند که تعهدات متقابل طرفین، کاملاً به هم مرتبط بوده و شرکت‌های مادر در برابر شرکت‌های فرعی خود، نقش مسلطی ایفا کرده‌اند و شرکت‌های فرعی، ملزم به تبعیت از تصمیمات مالی و تجاری شرکت‌های مادر خود بوده‌اند ...»^{۳۳}.

نویسنده فرانسوی در تحلیل این پرونده بیان می‌کند که «... وجود رابطه تبعیت اجازه می‌دهد که گروهی متشکل از قرارداد اصلی و قرارداد فرعی را به‌مانند گروه شرکت‌ها شناسایی کنیم: تسلط شرکت مادر بر شرکت‌های فرعی و مشارکت این شرکت‌ها در اجرای قرارداد منعقدشده توسط شرکت مادر، مورد توجه دیوان‌ها قرار گرفته است».^{۳۳} این مسئله به آن معناست که تحلیل روابط بین قراردادهای مرتبط در گروه قراردادی، همانند تحلیل روابط بین اعضای گروه شرکت‌ها در تفسیر درست اراده طرفین، امری اجتناب‌ناپذیر است که دیوان‌های داوری در مقام تعیین اطراف شرط داوری نباید از آن غفلت ورزند. هنگامی که قراردادهای مختلف، هریک جزئی از یک قرارداد و توافق کلی را شکل می‌دهند و برای تکمیل اراده اولیه طرفین ایجاد می‌شوند، بر ارتباط میان قراردادهای مجموعه، آثار حقوقی مهمی مترتب می‌شود که از جمله آن‌ها، گسترش شرط داوری مندرج در یکی از قراردادها به تمام اختلافات و تمام اشخاص درگیر در معامله تجاری واحد است. باید توجه داشت که بی‌گمان در این پرونده، وجود «گروه شرکت‌ها» در تشخیص وجود «گروه قراردادها» و پذیرش گسترش هم‌زمان قلمرو شخصی و موضوعی شرط داوری، نقش قاطعی داشته است.

شایان توجه است که دیوان‌های داوری در این موارد با بررسی مجموع وقایع پرونده، اراده مشترک طرفین را به‌طور ضمنی احراز می‌کنند. بنابراین، صرف وجود شروط داوری مشابه در قراردادهای مجموعه قراردادی برای شناسایی اطراف قراردادهای مرتبط در مجموعه به‌عنوان طرف شرط داوری مندرج در یکی از این قراردادها کافی نیست. این مسئله در برخی از آرا نیز تصریح شده است. به‌عنوان نمونه، در رأی داوری که زیر نظر اتاق داوری ملی و بین‌المللی میلان در تاریخ ۲ فوریه ۱۹۹۶ صادر شده، دیوان داوری چنین نتیجه گرفت که صرف اینکه شخص (الف)، سه قرارداد متوالی مشابه را با هدفی یکسان با اشخاص (ب)، (ج) و (د) منعقد کرده، به شخص (ب) اجازه نمی‌دهد که همراه با شخص (الف) علیه شخص (ج) دعوی داوری را آغاز کند. دیوان داوری اعلام کرد که این سه قرارداد، موافقت‌نامه‌های مجزایی هستند که قرارداد

32. *Ibid.*, *Rev. arb.*, 1992, N° 1, pp. 92-93; Y.C.A., vol. XVI, 1991, pp. 147.

33. Note de Laurent Aynès, *Rev. arb.*, 1992, N° 1, pp. 72-73.

واحد چندجانبه‌ای را شکل نمی‌دهند و صرف اینکه شروط داوری مشابهی در هر سه قرارداد درج شده، برای گسترش شرط داوری کفایت نمی‌کند.^{۳۴}

بنابراین، در مجموعه قراردادی با شروط داوری مشابه، در صورتی می‌توان اطراف قراردادهای مرتبط را طرف شرط داوری مندرج در یکی از قراردادها تلقی کرد که از بررسی کلیه اسناد و مدارک و وقایع پرونده چنین استنباط شود که ارتباط متقابل و وابستگی قراردادهای مرتبط، موجب شده که آن قراردادها کل واحد، یکپارچه و تجزیه‌ناپذیری را شکل دهند که شروط حل اختلاف مندرج در آن‌ها باید بر مبنای آن کل واحد تفسیر شود.

۲-۲. وجود شرط داوری در یک یا چند قرارداد و فقدان شرط حل اختلاف در قراردادهای دیگر

ممکن است در مجموعه قراردادی، یک یا چند قرارداد، حاوی شروط داوری مشابه و قراردادهای دیگر، فاقد هرگونه شرط حل اختلاف باشند. در این موارد که شرطی مغایر با شرط داوری وجود ندارد، سؤال این است که آیا دیوان داوری ایجادشده به موجب شرط داوری، صلاحیت رسیدگی نسبت به اطراف سایر قراردادهای مرتبط (فاقد شرط) را نیز دارد یا آنکه رسیدگی نسبت به اختلافات آن‌ها در صلاحیت دادگاه‌های ملی است؟

به نظر می‌رسد پاسخ، تابع تفسیر قصد و اراده مشترک اطراف قراردادها از عدم درج شرط حل اختلاف در یک یا چند قرارداد مرتبط است. باید دید که آیا قصد آن‌ها از عدم درج چنین شرطی، تبعیت این قرارداد یا قراردادها از شرط داوری مندرج در سایر قراردادهای مرتبط است و طرفین با توجه به آنکه مجموعه این اسناد قراردادی برای سازماندهی عملیات اقتصادی واحدی تنظیم شده‌اند، از تکرار شرط داوری در برخی از آن‌ها اجتناب کرده‌اند یا آنکه سکوت طرفین در برخی از قراردادها در مورد شیوه حل اختلاف به نفع صلاحیت دادگاه‌های ملی تفسیر می‌شود. بررسی چند پرونده به تشریح مسئله و یافتن پاسخ مناسب کمک می‌کند.

پرونده شماره ۲۷۳/۹۵ مورخ ۳۱ مه ۱۹۹۶ در اتاق بازرگانی زوریخ،^{۳۵} ناظر بر همین فرض است. در این پرونده، قراردادهای متنوعی بین اشخاص مختلف منعقد شده بود: از یک طرف، دو پروتکل که هر دو حاوی شرط داوری اتاق بازرگانی زوریخ بودند و از طرف دیگر، دو موافقت‌نامه چارچوب که یکی از آن‌ها حاوی شرط داوری اتاق بازرگانی زوریخ و دیگری فاقد هرگونه شرط

34. Chamber of National and International Arbitration of Milan, 2 February 1996, *Pharmaceutical Company A and Pharmaceutical Company B (Italy) v. Pharmaceutical Company C (Italy)*, Y.C.A., vol. XXII, 1997, pp. 191 *et seq.*, spec. pp. 192-193.

35. Zurich Chamber of Commerce, Award in Case No. 273/95, 31 May 1996, *Raw Material Processor (Hungary) and Processing Group (Argentina) v. Raw Material Seller (Russian Federation)* (The "Argentine Processing" Case), Y.C.A., vol. XXIII, 1998, pp. 128 *et seq.*

حل اختلاف بود. باین‌حال، دیوان داوری با استناد به نظریه «گروه قراردادهای»، خود را نسبت به موافقت‌نامه فاقد شرط داوری نیز صالح دانست و چنین استدلال کرد:

«هرگاه طرفین، در قرارداد دارای سطح بالاتر، نوع خاصی از داوری را پیش‌بینی کرده باشند، هر اختلاف ناشی از قرارداد دارای سطح پایین‌تر، مانند اختلافاتی که منجر به دعاوی خواهان‌ها می‌شود، مشمول آن شرط داوری می‌شود، مگر آنکه در قرارداد دارای درجه پایین‌تر یا در قراردادی که اختلاف خاصی از آن نشأت می‌گیرد، شرط داوری متفاوت یا شرط صلاحیت دادگاه وجود داشته باشد. ... تمام دعاوی ... در برابر این دیوان داوری ... مشمول شروط داوری مندرج در پروتکل‌ها هستند. ... همچنین بیشتر این دعاوی در سطح پایین‌تر، تحت پوشش شرط داوری مندرج در موافقت‌نامه چارچوب اول خواهان قرار می‌گیرند. اگرچه تمام این شروط داوری، با الفاظ متفاوتی بیان شده‌اند، یک معنا دارند. در این شرایط و اوضاع و احوال، چنین استنباط می‌شود که همه آن‌ها، [رسیدگی در] یک دیوان داوری یا چند دیوان داوری تحت نظارت یک سازمان داوری را پیش‌بینی کرده‌اند. ... در نتیجه، تمام دعاوی در صلاحیت این دیوان داوری در اتاق بازرگانی زوریخ قرار دارند».^{۳۶}

دیوان داوری همچنین به نقل از *لوران/آینس*، نویسنده فرانسوی^{۳۷} چنین بیان کرد:

«اگر قرارداد حاوی شرط داوری، خود زمینه‌ای برای ایجاد اختلاف نداشته باشد، به این دلیل که لازم است آن قرارداد به‌موجب قراردادهای دیگری تکمیل شود یا شکل دقیقی پیدا کند، اختلاف طرفین از گروه قراردادی آتی ناشی خواهد شد. اگر این شرط داوری، تنها به قرارداد حاوی آن محدود شود، بدون موضوع خواهد ماند. این وضعیت شرط داوری مندرج در موافقت‌نامه چارچوب است که به دنبال آن، قراردادهای دیگری برای تکمیل آن یا ایجاد توافقات جزئی منعقد می‌شود. بالطبع، طرفین می‌توانند در زمان انعقاد این قراردادها شرط داوری را تغییر دهند یا شیوه‌های دیگری برای حل اختلافات آتی خود پیش‌بینی کنند. ... سکوت آن‌ها به نفع ایفای نقش شرط داوری [مندرج در قرارداد چارچوب] تفسیر می‌شود».^{۳۸}

ملاحظه می‌شود در این پرونده، دیوان داوری با لحاظ چارچوب رابطه تجاری و قراردادی اشخاص درگیر در مجموعه قراردادی، روح معامله تجاری، اوضاع و احوال حاکم بر قضیه، نقش و کارکرد هریک از قراردادهای و ارتباط متقابل آن‌ها و تعهدات ناشی از قراردادهای مجموعه، اراده اطراف رابطه حقوقی را تفسیر کرده و قلمرو شرط داوری را نسبت به قرارداد فاقد شرط داوری، گسترش داده است.

در این خصوص می‌توان به پرونده دیگری^{۳۹} اشاره کرد که در آن، شرکت‌های متعددی

36. *Ibid.*, pp.135-136.

37. Aynès, *op. cit.*, p. 72.

38. The "Argentine Processing" Case, *op. cit.*, p. 137.

39. Tribunal Fédéral (1^{er} Cour civ.), 8 Décembre 1999, *Arthur Andersen Business Unit Member Firms c/ Andersen Consulting Business Unit Member Firms*, ASA Bull., vol. 18, No. 3, 2000, pp. 546 et suiv.

به منظور عضویت در گروهی از شرکت‌ها با شرکت سوئیسی/ندرسن، قرارداد استاندارد (تیپ یا نمونه)^{۴۰} حاوی شرط داوری منعقد کرده بودند. شرکت سوئیسی این قراردادها را از جانب خود و دیگر اعضای گروه با هر عضو جدید منعقد می‌کرد. شرط داوری مندرج در قرارداد نمونه در سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۴ اصلاح شد، بدون آنکه بیشتر قراردادهای انفرادی^{۴۱} منعقد شده بین شرکت‌های عضو گروه اصلاح شود. به این ترتیب، شبکه‌ای پیچیده از قراردادها بین اعضای گروهی بزرگ از شرکت‌ها ایجاد شده بود. با بروز اختلافاتی بین اعضا، در سال ۱۹۹۷، ۴۴ شرکت زیرمجموعه یکی از شرکت‌های عضو گروه، علیه ۹۷ شرکت زیرمجموعه شرکت دیگر عضو گروه در دیوان بین‌المللی داوری آی.سی.سی. اقامه دعوا کردند. با اعتراض خواندگان به صلاحیت دیوان داوری، این دیوان می‌بایست این نکته را بررسی می‌کرد که آیا نسبت به شرکت‌های متعدد در میان خواهان‌ها و خواندگان که قراردادهای عضویت فاقد شرط داوری را امضا کرده بودند، صلاحیت دارد یا خیر. دیوان داوری در رأی صادره، صلاحیت خود را نسبت به اطراف قراردادهای فاقد شرط داوری تأیید کرد.^{۴۲}

با اعتراض خواندگان به رأی دیوان داوری راجع به صلاحیت، دیوان عالی فدرال سوئیس، ضمن تحلیل روابط قراردادی طرفین، اعم از قراردادهای نمونه حاوی شرط داوری و قراردادهای انفرادی عضویت اعلام کرد که «آخرین شروط مندرج در قراردادهای انفرادی عضویت، تمام شرکت‌های عضو را مرتبط می‌کند، به طوری که کافی است نسخه ۱۹۹۴ قرارداد نمونه در یکی از قراردادهای انفرادی وارد شده تا نسبت به تمام شرکت‌های عضو دیگر قابل اعمال باشد...»^{۴۳} دیوان افزود که اساساً اصلاح شرط داوری مندرج در قرارداد نمونه (پیش‌بینی تعیین داور منفرد برای رسیدگی به اختلافات) با هدف احتراز از مشکلات مربوط به داوری چندطرفه بوده است و «ماهیت چندطرفه این شرط ... به طور صریح به تمام اشخاص عضو، امکان انتفاع از حقوق و تعهدات ایجاد شده به موجب قراردادهای عضویت را در برابر سایر اعضا اعطا می‌کند».^{۴۴} دیوان عالی فدرال در مورد اعتبار نسخه اصلاح‌شده شرط داوری نیز بیان کرد که «بدون تردید، نه به عنوان فرضی حقوقی ... ، بلکه در نتیجه اعمال قاعده اعتماد ... در نبود اراده موافق طرفین ... بر اساس اراده مفروض [آن‌ها]، مورد مؤخر، جانشین مورد مقدم در زمان می‌شود زیرا ممکن نیست [دو اراده متعارض] را هم‌زمان اعمال کرد...»^{۴۵}.

40. Standard Contract, in French: Contrat-type.

41. Individual Contracts, in French: Contrats individuels.

42. *Ibid.*, p. 551.

43. *Ibid.*, pp. 552-553.

44. *Ibid.*, p. 554.

45. *Ibid.*, p. 555.

افزون بر آن، دیوان عالی فدرال سوئیس در پرونده جدیدی، تفسیر موسع شرط داوری از سوی دیوان داوری را تأیید و موافقت کرده است که شرط داوری مندرج در قرارداد اعطای مجوز بهره‌برداری به قراردادهای فروش فاقد شرط حل اختلاف، تعمیم یابد.^{۴۶}

در این پرونده، دیوان داوری اعلام کرده بود که الفاظ شرط داوری مندرج در قرارداد اعطای مجوز بهره‌برداری («هرگونه اختلاف راجع به عبارات این قرارداد») به صورت مضیق و تحت‌اللفظی و به‌گونه‌ای که این شرط، صرفاً ناظر بر اختلافات ناشی از قرارداد یادشده باشد، تفسیر نمی‌شود بلکه تفسیر باید به شکلی باشد که شرط داوری، هر اختلاف مربوط به این قرارداد را در بر بگیرد. بر این اساس، دیوان داوری، خواسته خواهان، راجع به محکومیت خواننده به پرداخت عوض قراردادهای فروش را پذیرفت زیرا اقلام فروخته‌شده به‌موجب قرارداد اعطای مجوز بهره‌برداری تولید و تأمین شده بود.

با اعتراض محکوم‌علیه به رأی داوری در فوریه ۲۰۱۱ بر مبنای فقدان صلاحیت دیوان داوری، دیوان عالی فدرال سوئیس اعلام کرد که به‌طور کلی پذیرفته شده که قلمرو شرط داوری مندرج در قرارداد به قراردادهای تبعی یا مرتبط با آن که حاوی شرط حل اختلاف متفاوتی نیست، گسترش یابد. دیوان افزود با وجود آنکه به نظر می‌رسد شرط داوری به‌گونه‌ای تنظیم شده که صرفاً اختلافات ناشی از قرارداد حاوی آن را در بر بگیرد، از آنجاکه قرارداد اعطای مجوز بهره‌برداری در چارچوب روابط قراردادی وسیع‌تری منعقد شده که یکی از عناصر تشکیل‌دهنده آن، فروش تجهیزات بوکس تولیدشده به انجمن بوده و با درنظرگرفتن ارتباط روشن قرارداد اعطای مجوز بهره‌برداری و قراردادهای بعدی فروش و عدم پیش‌بینی شرط حل اختلاف خاصی در قراردادهای فروش، دیوان داوری نسبت به اختلافات راجع به قراردادهای فروش نیز صلاحیت دارد. در واقع، علی‌رغم ظاهر مضیق شرط داوری مندرج در قرارداد اعطای مجوز بهره‌برداری، این شرط به اختلافات ناشی از اجرای قراردادهای فروش که موضوع آن‌ها تجهیزات تولیدشده به‌موجب قرارداد اعطای مجوز بهره‌برداری بوده، تعمیم می‌یابد.

اگرچه در این پرونده در واقع، قلمرو موضوعی شرط داوری مندرج در قرارداد اعطای مجوز بهره‌برداری گسترش یافته، می‌توان از آن، رویکرد جدید و منعطف نظام حقوقی سوئیس در تفسیر شرط داوری را استنباط کرد. این رویکرد به‌جای پای‌بندی بی‌قیدوشرط به الفاظ در تفسیر شرط داوری، تابع اراده مشترک طرفین، چارچوب روابط قراردادی آن‌ها، ارتباط قراردادهای منعقد در

Final Award in ICC Case No. 9797, 28 July 2000, *Andersen Consulting Business Unit Member Firms v. Arthur Andersen Business Unit Member Firms and Andersen Worldwide Société Coopérative*, ASA Bull., vol. 18, No. 3, 2000, pp. 514-540

46. Tribunal fédéral (1^{er} Cour civ.), 20 Septembre 2011, 4A_103/2011, *Recours en matière civile contre la sentence rendue le 5 janvier 2011 par le Tribunal Arbitral du Sport (TAS)*, available at: <http://jumpegi.bger.ch/cgi-bin/JumpCGI?id=20.09.2011_4A_103/2011>, last visited on June 28, 2014.

گروه قراردادی و روح حاکم بر معاملات آن‌ها در تفسیر است.^{۴۷}

باوجود این، در برخی از موارد که اختلافات مطروحه تجزیه‌پذیر بوده است، صلاحیت دیوان داوری تنها نسبت به اطراف قرارداد حاوی شرط داوری محدود شده است. تصمیم دادگاه تجدیدنظر پاریس در پرونده لابیئال در ۱۹ مه ۱۹۹۳ مصداق بارز چنین فرضی است. در این پرونده، دادگاه تجدیدنظر پاریس، صلاحیت خود را تنها نسبت به شرکت لابیئال (که طرف قرارداد حاوی شرط داوری نبود) تأیید کرد. این دادگاه معتقد بود که برخلاف نظر دادگاه بدوی، اختلاف ایجادشده، تجزیه‌پذیر بوده و «رابطه موجود بین دو اختلاف و منافع ناشی از اجرای مطلوب عدالت، مانع از آن نیست که دیوان داوری، شرط داوری را که آزادانه مورد توافق و قبول شرکت مورس قرار گرفته، اعمال کند».^{۴۸}

افزون بر آن، در پرونده دیگری نیز که قرارداد دوم، فاقد شرط حل اختلاف بود، دیوان داوری آئی.سی.سی. ضمن بیان عبارات زیر، از گسترش قلمرو شخصی شرط داوری به اطراف قرارداد فاقد شرط، امتناع ورزید:

«ممکن است در شرایطی وظیفه دیوان این باشد که ورای قرارداد خاصی را که در برابر او قرار گرفته ببیند و واقعیات اقتصادی یا تجاری پشت ساختار حقوقی را در نظر بگیرد. باین‌حال، در پرونده حاضر، قصد پدیدآوردنندگان ساختار تجاری پیچیده مورد بحث به‌روشنی این بوده که اشخاص حقوقی متفاوتی را ایجاد کنند [که آن‌ها] روابط قراردادی مختلفی را با شیوه‌های حل اختلاف متفاوت، منعقد نمایند. اگر قرار باشد دیوان مقررات صریح اسناد حقوقی مورد توافق اشخاص مختلف را نادیده بگیرد ... ، این قصد روشن و بدون اختلاف، خدشه‌دار می‌شود».^{۴۹}

دیوان همچنین خاطرنشان کرد که اگر در برخی از مقررات قرارداد مورد اختلاف، به مقررات قرارداد دیگر ارجاع یا اشاره شده باشد، این مسئله به دیوان داوری، صلاحیت رسیدگی به مسائل مربوط به تفسیر یا اجرای قرارداد دوم را نمی‌دهد اما دیوان داوری می‌تواند برای اتخاذ تصمیم در مورد قرارداد مورد اختلاف، قرارداد دوم را در نظر بگیرد.^{۵۰}

۴۷. در مورد فرض مورد بحث در این قسمت می‌توان به پرونده معروف *دالا* نیز اشاره کرد. البته در این پرونده، اگرچه ابتدا تفاهم‌نامه فاقد شرط داوری بین دولت پاکستان و *دالا* منعقد شده بود و سپس *عوامی حج تراست* که دولت پاکستان آن را ایجاد کرد با *دالا* قرارداد حاوی شرط داوری *آئی.سی.سی.* منعقد کرد، *دالا* برای گسترش شرط داوری به دولت پاکستان به نظریه «گروه قراردادها» متمسک نشد و استدلال طرفین اختلاف و دیوان داوری بر مبنای «گروه دولتی» و ارتباط دولت و نهاد دولتی تابع آن استوار شده است. برای مطالعه پرونده یادشده، ن.ک: بهمنی و مرادی؛ همان، صص ۲۸۲-۲۷۸.

48. Paris (1^{re} Ch. A), 19 Mai 1993, *Société Labinal c/ Sociétés Mors et Westland Aerospace*, Rev. arb., 1993, N° 4, pp. 645 et suiv., spéc. p. 651.

49. Award in ICC Case No. 6829 of 1992, *Shipping Company (Panama) v. Shipping Company (Liberia)*, (Seat: Luxembourg), Y.C.A., vol. XIX, 1994, pp. 167 et seq., at: p. 170.

50. *Ibid.*, p. 171.

ملاحظه می‌شود در این پرونده، صرف ارتباط قراردادهای برای پذیرش تعمیم شرط داوری، کافی قلمداد نشده و دیوان داوری با آنکه قرارداد فاقد شرط داوری را برای تفسیر روابط قراردادی طرفین و حل اختلافات ناشی از قرارداد موضوع اختلاف، لحاظ کرده، خود را نسبت به رسیدگی به اختلافات طرفین قرارداد فاقد شرط داوری، صالح ندانسته است.

مصادق دیگر فرضی که در آن، قراردادی حاوی شرط داوری است و قرارداد مرتبط دیگر، فاقد هرگونه شرط حل اختلاف است، در قراردادهای اصلی و قراردادهای ضمان مربوط به آن‌ها تجلی می‌یابد. پرسش این است که آیا در این موارد، شرط داوری مندرج در قرارداد اصلی به اطراف قرارداد ضمان، قابل تسری است یا خیر.

در دو پرونده که در آن‌ها شخص (الف) با شخص (ب) قرارداد حاوی شرط داوری منعقد کرده و سپس شخص (ب) قرارداد ضمانتی را (که حاوی چنان شرطی نبود) با شخص (ج) منعقد کرده بود، دیوان عالی کشور فرانسه اعلام کرد که شخص ضامن که طرف قرارداد اصلی نیست، نمی‌تواند به شروط آن قرارداد، به‌ویژه شرط داوری آن استناد کند.^{۵۱} چنین امری از آثار اصل «نسبی بودن قراردادها» تلقی می‌شود.^{۵۲}

تعمیم شرط داوری مندرج در قرارداد اصلی به قرارداد «ضمانت متقابل»^{۵۳} نیز به دلیل استقلال کامل این قراردادها از یکدیگر^{۵۴} و با توجه به اصل «نسبی بودن اثر قراردادها» در مقام قیاس پذیرفته نمی‌شود.^{۵۵}

باید توجه داشت که مخالفت با تعمیم شرط داوری مندرج در قرارداد ضمان به قرارداد اصلی فاقد شرط هم با قیاس اولویت استنباط می‌شود زیرا علی‌الاصول در صورت جمع شرایط، نظام حقوقی قرارداد پایه، قابل تسری به قرارداد مرتبط است، و نه به‌عکس.

درمورد قراردادهای ضمان، آرای متعددی گویای آن است که دیوان‌های داوری تشکیل شده

برای ملاحظه نمونه دیگری که در آن، دیوان داوری از گسترش صلاحیت خود به قرارداد مرتبط فاقد شرط داوری، خودداری کرده است، ن.ک:

Chamber of National and International Arbitration of Milan, Award No. 1491, 20 July 1992 (Seat: Italy), Y.C.A., vol. XVIII, 1993, pp. 80 *et seq.*

51. Cass. (Ch. com.), 22 Novembre 1977, *Bui Van Tuyen c/ Société Merrill Lynch Pierce Fenner and Smith Inc.*, *Rev. arb.*, 1978, N° 4, pp. 461 et suiv.; Cass. (1^{re} Ch. civ.), 16 Juillet 1992, *Tareau c/ Martin et autres*, *Rev. arb.*, 1993, N° 4, pp. 611 et suiv., Note de Philippe Delebecque, spéc. pp. 614-616.

52. Train, *op. cit.*, p. 276.

53. Counter-Guarantee Contract, in French: Le contrat de contregarantie.

54. درمورد استقلال قرارداد «ضمانت متقابل» از قرارداد ضمانت اولیه و قرارداد اصلی و آثار مترتب بر آن، ن.ک: Stoufflet, Jean, 'La garantie bancaire à première demande', *J.D.I.*, vol. 114, N° 2, 1987, pp. 275-276.

55. در این خصوص، ن.ک:

Hanotiau, Bernard, 'Arbitration and Bank Guarantees: An Illustration of the Issue of Consent to Arbitration in Multicontract-Multiparty Disputes', *J. Int'l. Arb.*, vol. 16, No. 2, June 1999, pp. 16-17.

به موجب قرارداد اصلی، خود را نسبت به اختلافات ناشی از قرارداد ضمان بین اطراف ضمانت‌نامه بانکی، فاقد صلاحیت می‌دانند؛ با این استدلال که قرارداد ضمان، مستقل از قرارداد اصلی قلمداد می‌شود.^{۵۶} با وجود این، دیوان‌های داوری این مسئله را مانع از آن نمی‌دانند که به مسائل مربوط به ضمانت‌نامه، به‌ویژه اعتبار یا مطالبه غیرقانونی آن در روابط بین اطراف داوری بپردازند زیرا قرارداد اصلی حاوی شرط داوری، منشأ و سبب پیدایش قرارداد ضمان بوده است.^{۵۷}

قابل ذکر است که در نظام حقوقی سوئیس، رویکرد یکنواختی در این خصوص به چشم نمی‌خورد. به‌عنوان نمونه، دیوان عالی فدرال سوئیس در رأی^{۵۸} در تاریخ ۱۹ اوت ۲۰۰۸ مقرر داشته که در صورتی ضامن طرف رسیدگی داوری محسوب می‌شود که در قرارداد ضمان، شرط داوری درج‌شده یا آنکه به شرط داوری مندرج در قرارداد اصلی ارجاع شده باشد. در نبود چنین تصریحی، برای ملزم کردن ضامن به شرط داوری مندرج در قرارداد اصلی لازم است رضایت صریح یا ضمنی او به داوری اثبات شود. اما این دیوان در رأی دیگری که دو روز بعد یعنی در تاریخ ۲۱ اوت ۲۰۰۸ صادر کرده،^{۵۹} شرط داوری مندرج در قرارداد را به شخصی که در پروژه ساخت کارخانه - ای صنعتی در بوسنی فقط به‌عنوان ضامن اقدام کرده، تعمیم داده و استدلال دیوان داوری را مبنی - بر آنکه شخص ضامن، شریک قرارداد به‌شمار می‌آید و از حقوق ناشی از آن بهره‌مند و نسبت به تعهدات آن ملزم می‌شود، تأیید کرده است. به نظر می‌رسد تصمیم اخیر دیوان عالی فدرال سوئیس از مبانی حقوقی پیروی نمی‌کند چرا که نمی‌توان ضامن را که تعهدات او از قرارداد ضمان نشأت می‌گیرد، شریک و طرف قرارداد اصلی دانست. چنین استدلالی خلاف اصل «نسبی بودن آثار قراردادها» است.

در ایالات متحده، برخلاف نظام حقوقی فرانسه، تعمیم شرط داوری مندرج در قرارداد اصلی به ضامن به‌طور مطلق رد نمی‌شود. در پرونده‌ای،^{۶۰} شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر ایالات متحده، بانک ضامن را ملزم به داوری اختلافات ناشی از قرارداد ضمان که حاوی شرط داوری نبود،

56. Sentence partielle rendue dans l'affaire n° 8910 en 1998, *J.D.I.*, vol. 127, N° 4, 2000, pp. 1085 et suiv., spéc. pp. 1091-1092.

در خصوص استقلال قرارداد ضمان از قرارداد اصلی، ن.ک: محسن محبی؛ «ضمانت‌نامه‌های بانکی در رویه دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده»، *مجله حقوقی*، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۰، ۱۳۷۵، صص ۱۰۶-۹۰.

57. Sentence rendue dans l'affaire n° 3896 en 1982, *ICC Awards*, vol. I (1974-1985), pp. 481 et suiv., spéc. pp. 481-483; Sentence rendue dans l'affaire n° 5721 en 1990, *J.D.I.*, vol. 117, N° 4, 1990, pp. 1019 et suiv., spéc. pp. 1025-1026.

58. Swiss Federal Supreme Court Decision No. 4A_128/2008, 19 August 2008, cited in: Gutiérrez García de Cortázar, Elena, 'Non-Signatories and Arbitration: Recent Developments', in: Fernández-Ballesteros, M. Á., and Arias, David (eds.), *Liber Amicorum Bernardo Cremades*, La Ley, Spain, 2010, p. 565.

59. Swiss Federal Supreme Court Decision No. 4A_194/2008, 21 August 2008, cited in: Gutiérrez García de Cortázar, Elena, *op. cit.*, pp. 565-566.

60. *Kvaerner ASA et al. v. The Bank of Tokyo-Mitsubishi et al.*, 210 F.3d 262 (4th Cir. 2000), available at: <<http://openjurist.org/210/f3d/262/kvaerner-asa>>, last visited on April 11, 2014.

دانست.

در این پرونده، قرارداد اصلی که حاوی شرط داوری موسعی بود بین کارفرما و یک شرکت مشارکت انتفاعی به‌عنوان پیمانکار کل منعقد شده بود. سندیکایی از بانک‌ها، تأمین مالی این پروژه را به‌عهده گرفته بود. اعضای مشارکت انتفاعی، قراردادهای ضمانتی را به نفع بانک‌ها برای تضمین اجرای قرارداد ساخت امضا کردند. وقتی آن شرکت از انجام تعهد خود مبنی بر پرداخت به بانک قصور ورزید، بانک (مضمون‌له) بر اساس قراردادهای ضمانت در دادگاه، دعوی علیه آن‌ها طرح کرد. ضامنان با طرح دعوا در دادگاه فدرال بخش شرقی کارولینای شمالی، درخواست کردند که بانک‌ها ملزم به داوری شوند. این دادگاه با درخواست الزام به داوری، موافقت و اعلام کرد که شرط داوری مندرج در قرارداد ساخت به قراردادهای ضمانت وارد شده است. دادگاه تجدیدنظر، تصمیم دادگاه بخش را تأیید کرد. این دادگاه چنین استدلال کرد که در این پرونده، اختلاف، مربوط به قرارداد ساخت بوده است و ورود شرط داوری به قراردادهای ضمانت، با قید شرطی در این قراردادها مبنی بر آنکه ضامنان از حقوق و طرق جبرانی مشابه با اعضای مشارکت انتفاعی بر طبق قرارداد ساخت برخوردارند، تکمیل شده است.

در پایان این مبحث می‌توان گفت این موضوع که آیا می‌توان اطراف قراردادهای مرتبط در مجموعه قراردادی با شروط داوری مشابه یا سازگار را نیز طرف شرط داوری مندرج در یکی از قراردادهای مجموعه شناخت، کاملاً به تفسیر اراده مشترک اطراف قراردادها و اوضاع و احوال پرونده بستگی دارد و نمی‌توان در این خصوص، قاعده‌ای کلی ارائه کرد. دیوان‌های داوری و دادگاه‌های ملی در چنین شرایطی این مسئله را بررسی می‌کنند که آیا در نظر اطراف قراردادها، اسناد قراردادی روی‌هم‌رفته کل واحد و تفکیک‌ناپذیری را شکل می‌دهند و آیا درج شروط حل اختلاف مشابه در تمام قراردادهای مجموعه یا درج شرط داوری در یک قرارداد و عدم پیش‌بینی شرط حل اختلاف در سایر قراردادهای مجموعه، حامل این معنا است که آن‌ها می‌خواسته‌اند به تمام اختلافات احتمالی ناشی از قراردادهای مختلف میان اشخاص متعدد، نزد دیوان داوری واحدی رسیدگی شود یا آنکه برای حل اختلافات ناشی از هر قرارداد، علی‌رغم ارتباط و پیوند قراردادها و اختلافات ناشی از آن‌ها با یکدیگر، دیوان‌های داوری مجزایی تشکیل شود.

۳. طرف شرط داوری در قراردادهای با شروط حل اختلاف متفاوت یا مغایر

فرض دومی که در مجموعه‌های قراردادی میان اشخاص متفاوت متصور است، ناظر بر موردی است که در آن، شروط مندرج در قراردادهای مجموعه، متفاوت یا ناسازگار است؛ مانند آنکه در یکی از قراردادهای مجموعه، شرط ارجاع اختلاف به یک سازمان داوری درج شده باشد و در قرارداد دیگر، شرط داوری در سازمانی دیگر؛ یا آنکه در هر دو قرارداد، حل اختلاف به سازمان

داوری مشابه ولی در مقرهای مختلف ارجاع شده باشد یا آنکه قراردادی حاوی شرط داوری باشد، اما قرارداد دیگر، حل اختلاف را در صلاحیت دادگاه ملی قرار داده باشد. در این موارد، تفاوت بین شروط حل اختلاف، گویای آن است که اطراف این قراردادها نمی‌خواسته‌اند اختلافات مرتبط و ناشی از قراردادهای مرتبط یا مربوط به آن که برای تحقق هدفی یکسان منعقد شده‌اند، در رسیدگی توأمان نزد دیوان داوری واحد، حل‌وفصل شوند. بنابراین، در چنین مواردی اصولاً گسترش قلمرو شرط داوری نسبت به اختلافات ناشی از قراردادهای دیگر و اطراف قراردادهای دیگر، غیرممکن به نظر می‌رسد.^{۶۱}

مصادق بارز چنین فرضی، پرونده معروف سوفیدیف است. در این پرونده، سه شرکت فرانسوی سوفیدیف، اُردیف و کوژما به‌اتفاق در دیوان بین‌المللی داوری آی.سی.سی. علیه «سازمان انرژی اتمی ایران» و «سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران»، دعوی داوری آغاز کردند. این دعوا در ارتباط با قراردادهای مختلفی بود که در خصوص همکاری دو دولت ایران و فرانسه در پروژه‌های با موضوع غنی‌سازی اورانیوم منعقد شده بود. از آنجاکه قراردادهای منعقدشده حاوی شروط داوری متفاوتی بود، دو شرکت ایرانی نسبت به صلاحیت دیوان داوری ایراد کردند.^{۶۲}

دیوان داوری اعلام کرد که اگرچه حل اختلاف در قرارداد به دیوان بین‌المللی داوری آی.سی.سی. در ژنو واگذار شده و در پروتکل آن به همین سازمان داوری در مقر پاریس ارجاع شده است، به نظر می‌رسد «این قرارداد به همراه پروتکل آن، یک کل را تشکیل داده و در واقع، اراده طرفین در پروتکل آشکار شده است و آن‌ها پاریس را به‌عنوان مقر داوری ترجیح داده‌اند». در نتیجه، این دیوان بر مبنای وابستگی متقابل و نقش تکمیلی قراردادهای، بر صلاحیت خود برای رسیدگی به اختلافات ناشی از قرارداد و پروتکل بین اشخاص مختلف در رسیدگی داوری واحد در پاریس تأیید کرد.^{۶۳}

با اعتراض «سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران» به رأی داوری،

۶۱. قابل توجه است از آنجاکه گسترش شرط داوری در فرض وجود شروط حل اختلاف متفاوت یا مغایر، احتمال کمی دارد، در این خصوص آرای کمتری نیز در رویه داوری و قضایی به چشم می‌خورد و در نتیجه از حیث شکلی، حجم این بند، کمتر از بند ۲ است. باین‌همه، میان مطالب بند ۲ و بند ۳، تناسب محتوایی لازم وجود دارد.

62. Sentence de la CCI, 25 Avril 1985, *Sociétés françaises EURODIF, Société franco-iranienne pour l'enrichissement de l'uranium par diffusion gazeuse (SOFIDIF), Commissariat à l'énergie atomique (C.E.A.), Société d'études et de recherches de l'uranium (SERU) et Compagnie générale des matières nucléaires (COGEMA), c/ Organisation de l'énergie atomique de l'Iran (O.E.A.I.) et Organisation pour les investissements et l'assistance économique et technique de l'Iran (O.I.A.E.T.I.)*, Rev. arb., 1987, N° 3, pp. 359-362.

63. *Ibid.*, p. 363; Gaillard, Emmanuel, 'L'affaire SOFIDIF ou les difficultés de l'arbitrage multipartite (à propos de l'arrêt rendu par la Cour d'appel de Paris le 19 Décembre 1986)', Rev. arb., 1987, N° 3, pp. 282-283.

دادگاه تجدیدنظر پاریس اعلام کرد که نبود قرارداد چارچوب یا توافقی چندطرفه ایجاب می‌کند که دیوان داوری در هر قرارداد به‌طور مجزا صلاحیت خود را تعیین کند.^{۶۴} علاوه بر آن، «ماهیت قراردادی داوری، مانع از گسترش آثار قرارداد مورد اختلاف به اشخاص ثالث خارج از آن قرارداد است» و مشکلات ناشی از پیچیدگی و غیرقابل تفکیک بودن اختلافات، تنها از طریق توافقات قراردادی حل می‌شود.^{۶۵}

این دادگاه سپس افزود که داوران، همچنین ارتباط تکمیل‌کننده بین قرارداد و پروتکل را احراز کرده‌اند. این پروتکل که بین سوفیدیف، کوژما و «سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران» منعقد شده، حاوی شرط داوری آی.سی.سی. در پاریس است. اما قرارداد سوم که در تاریخ ۱۳ نوامبر ۱۹۷۵ بین اورودیف و سوفیدیف منعقد شده، حل اختلاف را در صلاحیت آی.سی.سی. در ژنو قرار داده است. باوجود این، دیوان داوری بر مبنای تمامیت خواسته، رسیدگی به تمام اختلافات را در صلاحیت دیوان داوری پاریس دانسته است، درحالی‌که متعاقباً بین طرفین قرارداد اخیر برای رسیدگی به اختلافات آن‌ها نزد دیوان داوری در پاریس، هیچ توافقی صورت نگرفته است.^{۶۶}

از آنجاکه دادگاه تجدیدنظر پاریس بر مبنای دیگری رأی داوری را ابطال کرد که طی فرجام‌خواهی، دیوان عالی کشور فرانسه، با آن مخالفت کرد، پرونده با نقض تصمیم دادگاه تجدیدنظر پاریس به دادگاه تجدیدنظر ورسای احاله شد.^{۶۷}

دادگاه تجدیدنظر ورسای نیز رأی داوری را ابطال کرد، اما با این استدلال که نبود اراده مشترک صریح یا ضمنی اطراف قراردادهای مبنی بر ارتباط بین شروط داوری و وجود شروط ناسازگار در قراردادهای مختلف، نشان‌دهنده اراده متفاوت اطراف قرارداد است. این دادگاه، چنین نتیجه گرفت که در این پرونده، دیوان داوری نمی‌تواند در رسیدگی داوری واحدی به تمام اختلافات رسیدگی کند، بلکه باید صلاحیت خود را نسبت به هر شخص و هر اختلاف با رجوع به قرارداد مربوطه احراز کند.^{۶۸}

همان‌طور که نتیجه نهایی این پرونده نیز روشن می‌سازد، درج شروط حل اختلاف متفاوت یا ناسازگار در قراردادهای مجموعه قراردادی میان اشخاص متفاوت، مانع از احراز رضایت ضمنی تمام

64. Paris (1^{re} Ch. suppl.), 19 Décembre 1986, O.I.A.E.T.I. c/ SOFIDIF et O.E.A.I., SERU, EURODIF et C.E.A., Rev. arb., 1987, N° 3, pp. 359 et suiv., spéc. p. 363.

65. Ibid., p. 364.

66. Ibid., pp. 364-365.

67. Cass. (1^{re} Ch. civ.), 8 Mars 1988, Sociétés SOFIDIF et autres c/ O.I.A.E.T.I. et autre, Rev. arb., 1989, N° 3, pp. 481-482.

68. Versailles (Chambres réunies), 7 Mars 1990, O.I.A.E.T.I. et SOFIDIF c/ COGEMA, SERU, EURODIF et C.E.A., Rev. arb., 1991, N° 2, pp. 326 and 338.

اطراف، مبنی بر حل تمام اختلافات ناشی از قراردادهای مختلف منعقدشده میان آن‌ها در رسیدگی داوری واحد است. بنابراین، چنان که یکی از حقوق‌دانان نیز بیان نموده،^{۶۹} به نظر می‌رسد در چنین شرایطی، رسیدگی داوری واحد، تنها با رضایت تمام اطراف درگیر، ممکن خواهد بود.

این مسئله که صرف وجود ارتباط میان قراردادهای مجموعه قراردادی نمی‌تواند اثر حقوقی درج شروط حل اختلاف متفاوت یا ناسازگار در آن‌ها را از بین ببرد، در پرونده شماره ۶۹/۸۶ نیز که قواعد دیوان داوری اتاق بازرگانی ورشو (لهستان) بر آن حاکم بود، به تأیید دیوان داوری رسید. در این پرونده که شخص (الف) با شخص (ب) قرارداد ساخت حاوی شرط داوری منعقد کرده بود و سپس شخص (ب) قراردادی فرعی با شخص (ج) منعقد کرده بود که حاوی شرط صلاحیت دادگاه‌های محلی بود، دیوان داوری تشکیل شده بر اساس شرط داوری مندرج در قرارداد اول، خود را نسبت به رسیدگی به اختلافات ناشی از قرارداد دوم، فاقد صلاحیت دانست.^{۷۰} همچنین باید به پرونده خاصی در رویه قضایی بلژیک اشاره کرد که در آن، دیوان عالی این کشور بیان کرد که اگر اختلاف تجزیه‌ناپذیری از یک طرف با اطراف قرارداد حاوی شرط داوری و از طرف دیگر با اطراف قراردادی که حاوی چنان شرطی نیست، در ارتباط باشد، فقط دادگاه‌ها صالح به رسیدگی به آن اختلاف تجزیه‌ناپذیر هستند چرا که در چنین شرایطی شرط داوری «غیرقابل اعمال» تلقی می‌شود.^{۷۱}

باید توجه داشت که مفهوم «تجزیه‌ناپذیری»^{۷۲} که در این رأی به کار رفته، «تنها ناظر بر وضعیتی است که اجرای آرای مجزا در خصوص اختلاف واحد به لحاظ مادی ممکن نباشد. تنها این «تجزیه‌ناپذیری» موجب بی‌اثر شدن شرط داوری مندرج در قرارداد می‌شود».^{۷۳} البته به چنین تفسیری انتقادهایی نیز وارد شده است، از جمله گفته شده به موجب ماده ۲ کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸، دادگاه‌های ملی در صورت وجود موافقت‌نامه داوری باید طرفین را به داوری ارجاع دهند، مگر ثابت شود که شرط داوری باطل یا بی‌اثر و غیرقابل اعمال است. بر این اساس، چنین استدلالی برای از بین بردن توافق طرفین، حداقل در داوری‌های سازمانی که احراز وجود شرط داوری به صورت علی‌الظاهر برای تشکیل دیوان داوری کافی است، چندان موفق به نظر نمی‌رسد.^{۷۴} افزون بر آن، این تفسیر با فلسفه و کارکرد داوری تجاری بین‌المللی در دنیای امروز

69. Gaillard, *op. cit.*, p. 285.

70. Court of Arbitration at the Polish Chamber of Commerce in Warsaw, Case No. 69/86, 18 May 1987, *Polish Foreign Trade Enterprise v. UK employer*, Y.C.A., vol. XIV, 1989, pp. 183 *et seq.*, spec. p. 186; See also: Sentence rendue dans l'affaire n° 4392 en 1983, ICC Awards, vol. I (1974-1985), pp. 473 *et suiv.*, spéc. pp. 474-475, Observations de Yves Derains, pp. 475 *et suiv.*, spéc. p. 476.

71. Cited in: Hanotiau, Bernard, 'Problems Raised by Complex Arbitrations Involving Multiple Contracts-Parties-Issues-An Analysis', *J. Int'l. Arb.*, vol. 18, No. 3, June 2001, p. 310.

72. Indivisibility, in French: Indivisibilité.

73. *Ibid.*, p. 311.

74. *Ibid.*

تجارت بین‌الملل، چندان سازگاری ندارد، چرا که نتیجه آن، چیزی جز کم‌رنگ کردن داوری بین‌المللی و بی‌توجهی به اصل بنیادین «حاکمیت اراده» نیست. استقلال حقوقی قراردادهای مجموعه قراردادی، صرف‌نظر از ارتباط اقتصادی آن‌ها با یکدیگر، ایجاب می‌کند که توافق طرفین در خصوص حل اختلافات ناشی از قرارداد حاوی شرط داوری، محترم شمرده شود و برای جلوگیری از صدور آرای متعارض و غیرقابل اجرا، در صورت ارتباط نزدیک و متقابل قراردادها با یکدیگر با گسترش شرط داوری به قرارداد مرتبط فاقد آن شرط یا به قرارداد حاوی شرط صلاحیت دادگاه که مقدم بر قرارداد حاوی شرط داوری منعقد شده است، موافقت شود؛ با این استدلال که عدم درج شرط حل اختلاف در یکی از قراردادهای می‌تواند در کنار وقایع دیگر، گویای قصد و اراده طرفین، مبنی بر حل تمام اختلافات ناشی از قراردادهای مرتبط نزد دیوان داوری واحد باشد. همچنین درج شرط صلاحیت دادگاه در قرارداد مقدم و درج شرط داوری در قرارداد مؤخر می‌تواند بر اصلاح اراده طرفین در قرارداد اخیر دلالت کند.^{۷۵}

نتیجه

در دنیای تجارت بین‌الملل امروز، تحقق معامله‌ای تجاری یا اجرای عملیاتی اقتصادی، مستلزم انعقاد قراردادهای متنوع و متعددی است که علی‌رغم برخورداری از استقلال حقوقی به لحاظ اقتصادی و کارکردی، میان آن‌ها نوعی ارتباط متقابل و وابستگی وجود دارد. ممکن است این قراردادهای مرتبط یا گروه‌های قراردادی در قالب مجموعه قراردادی برای تحقق هدفی مشترک و یکسان منعقد شده باشند یا آنکه در قالب زنجیره قراردادی، موضوعی مشترک، موجب پیوند آن‌ها با یکدیگر شده باشد. تشخیص ارتباط این قراردادها با یکدیگر با تفسیر درست اراده مشترک اطراف قراردادی میسر است. در صورتی که ارتباط اقتصادی بین قراردادها و اوضاع و احوال حاکم بر معامله اقتصادی گویای آن باشد که قراردادهای مرتبط، اجزای یکپارچه «معامله اقتصادی واحد و تجزیه‌ناپذیری» را شکل می‌دهند، گروه قراردادی باید به‌عنوان یک کل یا معامله واحد در نظر گرفته شود. در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان اطراف قراردادهای مرتبط در گروه قراردادی با هدف یکسان (مجموعه قراردادی) را طرف شرط داوری مندرج در یکی از قراردادهای مجموعه به‌شمار

۷۵. جالب توجه است که دیوان عالی کشور فرانسه، برخلاف دیوان عالی کشور بلژیک، در پرونده پیوی که در آن، یکی از قراردادهای زنجیره قراردادی، حاوی شرط داوری بود، باوجود آنکه اختلاف را نسبت به خواندگان متعدد، تجزیه‌ناپذیر می‌دانست، اعلام کرد که دادگاه دولتی باوجود شرط داوری، برای رسیدگی نسبت به شرکت پیوی، طرف قرارداد حاوی شرط داوری، صلاحیت ندارد. چنین رویکردی کاملاً با رویه قضایی فرانسه که همواره به ارائه تفسیری در جهت تقویت و حمایت از داوری می‌پردازد، سازگاری دارد. ن.ک:

Cass. (1^{re} Ch. civ.), 6 Février 2001, *Peavey Company c/ Organisme Général pour les fourrages et autres*, Rev. arb., 2001, N° 4, pp. 765 et suiv., spéc. p. 767, Note de Daniel Cohen, spéc. p. 768.

آورد و به دیگر سخن، قلمرو شخصی شرط داوری مندرج در یکی از قراردادها را به اطراف سایر قراردادهای مرتبط در مجموعه گسترش داد، با مطالعه رویه داوری و قضایی باید گفت از آنجاکه این مسئله امری موضوعی است، دیوان داوری باید در هر پرونده به طور مستقل و با لحاظ وقایع مربوطه به تفسیر اراده مشترک اطراف قراردادها همت گمارد و بررسی کند که آیا انتظارات نوعاً منصفانه و شخصاً متعارف اطراف رابطه قراردادی این بوده که شرط داوری مندرج در یک قرارداد، مانند چتری بر سایر قراردادهای مرتبط در گروه قراردادی سایه بگستراند یا خیر.

به طور خاص، دیوان‌های داوری و دادگاه‌های ملی در چنین شرایطی به بررسی این مسئله می‌پردازند که آیا در نظر اطراف قراردادها، اسناد قراردادی روی هم‌رفته، کل واحد و تفکیک‌ناپذیری را شکل می‌دهد و آیا درج شروط حل اختلاف مشابه در تمام قراردادهای مجموعه یا درج شرط داوری در یک قرارداد و عدم پیش‌بینی شرط حل اختلاف در سایر قراردادهای مجموعه، حامل این معنا است که آن‌ها می‌خواسته‌اند به تمام اختلافات احتمالی ناشی از قراردادهای مختلف میان اشخاص متعدد، نزد دیوان داوری واحدی رسیدگی شود یا آنکه برای حل اختلافات ناشی از هر قرارداد، علی‌رغم ارتباط و پیوند قراردادها و اختلافات ناشی از آن‌ها با یکدیگر، دیوان‌های داوری مجزایی تشکیل شود.

بر این اساس، درحالی‌که درج شروط داوری مشابه در قراردادهای مجموعه قراردادی یا درج شرط داوری در یک قرارداد و عدم پیش‌بینی شرط حل اختلاف در سایر قراردادهای مجموعه، ممکن است منجر به کشف اراده ضمنی اطراف قراردادها مبنی بر رسیدگی به اختلافات تمام آن‌ها نزد دیوان داوری واحد شود، درج شروط حل اختلاف متفاوت یا مغایر در این قراردادها، به دلیل عدم امکان احراز رضایت ضمنی اطراف قراردادی، مانع از پذیرش گسترش قلمرو شخصی شرط داوری می‌شود.

لازم به ذکر است که صرف ارتباط قراردادها یا وجود شروط داوری مشابه در قراردادهای مجموعه برای گسترش قلمرو شخصی شرط داوری، کافی قلمداد نمی‌شود اما وجود روابط سازمانی بین اطراف قراردادهای مجموعه قراردادی در قالب «گروه شرکت‌ها»، امکان گسترش قلمرو شرط داوری در «گروه قراردادی» را تقویت می‌کند.

در پایان، به نظر می‌رسد برای آنکه داوری تجاری بین‌المللی بتواند همچنان در میان سایر شیوه‌های حل و فصل اختلافات، محبوبیت و کارآمدی خود را حفظ کند، لازم است داوران از توجه به واقعیات اقتصادی و تجاری و رای ساختار حقوقی روابط قراردادی غفلت نورزند و در تفسیر اراده اطراف قراردادهای مجموعه قراردادی به ارتباط اقتصادی و کارکردی این قراردادها و پیوند و وابستگی متقابل تعهدات ناشی از آن‌ها توجه نمایند تا بتوانند با کشف اراده واقعی ضمنی یا مفروض اطراف قراردادها، هم اصل «حاکمیت اراده» را محترم بشمارند و هم با رسیدگی مؤثرتر و

کارآمدتر به اختلافات کلیه اشخاص درگیر، امکان اجرای مطلوب عدالت را فراهم آورند.

منابع:

الف) فارسی

- بهمنی، محمدعلی و فهمیه مرادی؛ «اطراف پنهان قرارداد داوری در «گروه دولت‌ها»»، *مجله تحقیقات حقوقی*، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۶۲، تابستان ۱۳۹۲.
- محبی، محسن؛ «ضمانت‌نامه‌های بانکی در رویه دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده»، *مجله حقوقی*، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۰، ۱۳۷۵.

ب) انگلیسی

- Books and Articles

- Gaillard, Emmanuel, and Savage, John (eds.), *Fouchard Gaillard Goldman on International Commercial Arbitration*, Wolters Kluwer Law and Business, Kluwer Law International, 1999.
- Gutiérrez García de Cortázar, Elena, "Non-Signatories and Arbitration: Recent Developments", in: Fernández-Ballesteros, M. Á., and Arias, David (eds.), *Liber Amicorum Bernardo Cremades*, La Ley, Spain, 2010, pp. 561-571.
- Hanotiau, Bernard, "Arbitration and Bank Guarantees: An Illustration of the Issue of Consent to Arbitration in Multicontract-Multiparty Disputes", *J. Int'l. Arb.*, vol. 16, No. 2, June 1999, pp. 15-23.
- Hanotiau, Bernard, "Multiple Parties and Multiple Contracts in International Arbitration", in: Macmahon, Belinda (ed.), *Multiple Party Actions in International Arbitration*, Oxford University Press, 2009, pp. 35-68.
- Hanotiau, Bernard, "Problems Raised by Complex Arbitrations Involving Multiple Contracts Parties Issues- An Analysis", *J. Int'l. Arb.*, vol. 18, No. 3, June 2001, pp. 251-360.
- Leboulanger, Philippe, "Multi-Contract Arbitration", *J. Int'l. Arb.*, vol. 13, No. 4, Dec. 1996, pp. 43-99.

- Awards

- Court of Arbitration at the Polish Chamber of Commerce in Warsaw, Case No. 122/85, 2 July 1987, Y.C.A., vol. XIV, 1989, pp. 187 *et seq.*
- Award in ICC Case No. 6829 of 1992, *Shipping Company (Panama) v. Shipping Company (Liberia)*, (Seat: Luxembourg), Y.C.A., vol. XIX, 1994, pp. 167 *et seq.*
- Chamber of National and International Arbitration of Milan, Award No. 1491, 20 July 1992 (Seat: Italy), Y.C.A., vol. XVIII, 1993, pp. 80 *et seq.*
- Chamber of National and International Arbitration of Milan, 2 February 1996, *Pharmaceutical Company A and Pharmaceutical Company B*

(Italy) v. *Pharmaceutical Company C (Italy)*, Y.C.A., vol. XXII, 1997, pp. 191 *et seq.*

- Zurich Chamber of Commerce, Award in Case No. 273/95, 31 May 1996, *Raw Material Processor (Hungary) and Processing Group (Argentina) v. Raw Material Seller (Russian Federation)*, Y.C.A., vol. XXIII, 1998, pp. 128 *et seq.*
- Final Award in ICC Case No. 9797, 28 July 2000, *Andersen Consulting Business Unit Member Firms v. Arthur Andersen Business Unit Member Firms and Andersen Worldwide Société Coopérative*, ASA Bull., vol. 18, No. 3, 2000, pp. 514-540.
- *Kvaerner ASA et al. v. The Bank of Tokyo-Mitsubishi et al.*, United States Court of Appeals, The Fourth Circuit, 210 F.3d 262 (4th Cir. 2000), available at: <<http://openjurist.org/210/f3d/262/kvaerner-asa>>, last visited on April 11, 2014.

ج) فرانسه

- Livres et Articles

- Cabrillac, Rémy, *Droit des obligations*, Dalloz, 7^e éd., 2006.
- Gaillard, Emmanuel, 'L'affaire SOFIDIF ou les difficultés de l'arbitrage multipartite (à propos de l'arrêt rendu par la Cour d'appel de Paris le 19 Décembre 1986)', *Rev. arb.*, 1987, N° 3, pp. 275-291.
- Kahn, Philippe, 'L'interprétation des contrats internationaux', *J.D.I.*, vol. 108, N° 1, 1981, pp. 5-28.
- Note de Laurent Aynès, *Rev. arb.*, 1992, N° 1, pp. 70 et suiv.
- Paulsson, Jan, 'Les obligations des partenaires dans un accord de développement économique: La sentence arbitrale Cameroun c/ Klöckner', *Rev. arb.*, 1984, N° 1, pp. 19-63.
- Stoufflet, Jean, 'La garantie bancaire à première demande', *J.D.I.*, vol. 114, N° 2, 1987, pp. 265-287.
- Train, François-Xavier, *Les contrats liés devant l'arbitre du commerce international*, L.G.D.J., Paris, 2003.

- Loi

- Loi Fédérale de Procédure Civile Fédérale, 4 Décembre 1947, available at: <<http://www.admin.ch/ch/f/rs/2/273.fr.pdf>>, last visited on July 21, 2014.

- Sentences

- Sentence rendue dans l'affaire n° 3896 en 1982, ICC Awards, vol. I (1974-1985), pp. 481 et suiv.
- Sentence rendue dans l'affaire n° 4392 en 1983, ICC Awards, vol. I (1974-1985), pp. 473 et suiv., Observations de Yves Derains, pp. 475 et suiv.
- Sentence arbitrale préjudicielle de la C.C.I. dans l'affaire n° 3879, 5 Mars

1984, *Westland Helicopters Ltd. c/ Arab Organization for Industrialization (A.O.I.), Emirats Arabes Unis, Royaume d'Arabie Saoudite, Qatar, République Arabe d'Egypte, Arab British Helicopter Company (A.B.H.)*, Rev. arb., 1989, N° 3, pp. 547 et suiv.; J.D.I., vol. 112, N° 1, 1985, pp. 232 et suiv.; For excerpts translated into English, see: I.L.M., vol. 23, 1984, pp. 1071 et seq.; Y.C.A., vol. XI, 1986, pp. 127 et seq.

- Sentence de la CCI, 25 Avril 1985, *Sociétés françaises EURODIF, Société franco-iranienne pour l'enrichissement de l'uranium par diffusion gazeuse (SOFIDIF), Commissariat à l'énergie atomique (C.E.A.), Société d'études et de recherches de l'uranium (SERU) and Compagnie générale des matières nucléaires (COGEMA), c/ Organisation de l'énergie atomique de l'Iran (O.E.A.I.) et Organisation pour les investissements et l'assistance économique et technique de l'Iran (O.I.A.E.T.I.)*, Rev. arb., 1987, N° 3, pp. 359-362.
- Sentence rendue dans l'affaire n° 5721 en 1990, J.D.I., vol. 117, N° 4, 1990, pp.1019 et suiv.
- Sentence partielle rendue dans l'affaire n° 8910 en 1998, J.D.I., vol. 127, N° 4, 2000, pp. 1085 et suiv.
- Paris (1^{re} Ch. suppl.), 19 Décembre 1986, *O.I.A.E.T.I. c/ SOFIDIF et O.E.A.I., SERU, EURODIF et C.E.A.*, Rev. arb., 1987, N° 3, pp. 359 et suiv.
- Paris (1^{re} Ch. suppl.), 31 Octobre 1989, *Société Kis France et autres c/ Société générale et autres*, Rev. arb., 1992, N° 1, pp. 90 et suiv.; For excerpts translated into English, see: Y.C.A., vol. XVI, 1991, pp. 145 et seq.
- Paris (1^{re} Ch. A), 19 Mai 1993, *Société Labinal c/ Sociétés Mors et Westland Aerospace*, Rev. arb., 1993, N° 4, pp. 645 et suiv.
- Versailles (Chambres réunies), 7 Mars 1990, *O.I.A.E.T.I. et SOFIDIF c/ COGEMA, SERU, EURODIF et C.E.A.*, Rev. arb., 1991, N° 2, pp. 326 and 338.
- Cass. (Ch. com.), 22 Novembre 1977, *Bui Van Tuyen c/ Société Merrill Lynch Pierce Fenner and Smith Inc.*, Rev. arb., 1978, N° 4, pp. 461 et suiv.
- Cass. (1^{re} Ch. civ.), 8 Mars 1988, *Sociétés SOFIDIF et autres c/ O.I.A.E.T.I. et autre*, Rev. arb., 1989, N° 3, pp. 481-482.
- Cass. (1^{re} Ch. civ.), 16 Juillet 1992, *Tareau c/ Martin et autres*, Rev. arb., 1993, N° 4, pp. 611 et suiv., Note de Philippe Delebecque.
- Cass. (1^{re} Ch. civ.), 6 Février 2001, *Peavey Company c/ Organisme Général pour les fourrages et autres*, Rev. arb., 2001, N° 4, pp. 765 et suiv., Note de Daniel Cohen.
- Tribunal Fédéral (1^{re} Cour civ.), 8 Décembre 1999, *Arthur Andersen Business Unit Member Firms c/ Andersen Consulting Business Unit Member Firms*, ASA Bull., vol. 18, No. 3, 2000, pp. 546 et suiv.
- Tribunal fédéral (1^{re} Cour civ.), 20 Septembre 2011, 4A_103/2011, Recours en matière civile contre la sentence rendue le 5 janvier 2011 par le Tribunal Arbitral du Sport (TAS), available at: <<http://jumpcgi.bger.ch/cgi->

